

شمعے درباد

مجموعہ شعر

احمد نجف زاده



مرکز نشر و زینہ

۱۳۹۳

سرشناسه	: نجف زاده، احمد، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: شمعی در باد
مشخصات نشر	: شیراز: مرکز نشر زرينه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهري	: ۹۷ پی. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۶ - ۳۲ - ۶۱۳۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیلای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۶۹۸۶۸



مرکز نشر زرينه

شمعی در باد

احمد نجف زاده

نشانی: شیراز، بلوار ایمان جنوبی، خیابان شهید شیخی، نیش کوجه ۱۷، دومین پلاک سمت چپ

تلفن: ۰۹۱۷۷۱۶۷۱۶۳ و ۰۷۱۳۸۳۲۰۷۳۶

نمابر: ۰۷۱۳۸۲۲۲۱۸

Email: nashrezarrineh@yahoo.com

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۴ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / شابک: ۶ - ۳۲ - ۶۱۳۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: نسیم

ویراستار:

هماهنگی و نظارت: علی محمد رواستان

صفحه‌آرا: اطلس دهقانی / طرح جلد: عظیمه زارع

آماده‌سازی پیش از چاپ: مؤسسه‌ی کتاب آریان پارس

تلفکس: ۰۹۱۷۶۸۷۰۷۲۱ - ۲۲۳۳۱۲۸۰

Ketab.arayan@gmail.com

Printed in the Islamic Republic of Iran- Shiraz

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۵
«داغ تنهایی».....	۱۳
«ناله‌ی جانسوز».....	۱۴
«مهر حق».....	۱۵
«نوا‌ی نی».....	۱۶
«فرج».....	۱۷
«ماه خون».....	۱۹
«لاله‌زار دل».....	۱۲
«رمضان».....	۲۱
«ایثار گل‌ها».....	۲۳
«مولا علی (ع)».....	۲۴
«گل».....	۲۵
«ناجی عالم».....	۲۶
«بنال ای دل».....	۲۷
«خون نامه».....	۲۹
«خورشید تابناک».....	۳۲
«فجر صادق».....	۳۴
«مناجات».....	۳۶
«روح میهن خمینی».....	۳۷
«آینه‌ی علم».....	۳۹

۴۰	«شمس ولایت»
۴۲	«علی»
۴۳	«با خدا باش»
۵۵	«وصل نگار»
۵۷	«غم مخور»
۶۵	«دلبر هنرمند»
۶۶	«ماه منیر»
۶۷	«عشق حسین»
۶۸	«دست کرم»
۶۹	«سلسله نو»
۷۰	«زینب»
۷۰	«علی اکبر»
۷۰	«تعبیر عشق»
۷۱	«جانباز»
۷۲	«هستی»
۷۳	«دو بیتی»
۹۳	«شیعه حسینی»
۹۵	«دیوار سبز عیاران»

مقدمه

۱- شعر چیست؟

شعر حقیقتی ست که اگر نمی‌شود سراینده آن بود، می‌توان دست‌کم خواننده‌ی آن شد و از روزمرگی‌ها فاصله گرفت. شعر میزبانی صادق است که قلب مخاطبان را هدف قرار می‌دهد و آنان را به ساحت ناممکن‌ها می‌برد تا خود ببینند و باور کنند که اگر ایمان و عشق باشد، هر ناممکنی ممکن می‌شود.

شعر پیام‌آور خوشی‌ها و آگاهی بخش دردها و رنج‌های بشری است که شاعر در عشقی تنیده در جنون راوی آن است.

شاعر در شعر خود از خوشی‌ها، امیدها، رنج‌ها، آرمان‌ها و هر آنچه دل و ذهن انسان را به هم پیوند می‌دهد، سخن می‌گوید تا عشاق واقعی معنویت و انسانیت خود را تنها نبینند و با این کلام والای شاعر همذات‌پنداری کنند که:

نی می‌کنی ز من یاد نی می‌روی ز یادم

فریاد از این همه عمر کان در رهت نهادم

چندان گذشت سال و دل خوش به سال دیگر

دل در طلب برآرد آه هر دم از نهادم

بدون شک شاعران متعهدی چون احمد نجف زاده که با تکیه بر ارزش‌های والای اسلامی و انسانی شعر می‌سرایند، شعرشان پرمایه و دل‌نشین است. این‌گونه شاعران با تکیه بر مفاهیم بلند و غنی فرهنگ اسلامی و ایرانی خود رادر قبال جامعه مسئول می‌دانند و به دنبال خیر و سعادت بیشتر برای جامعه هستند.

شاعر این مجموعه نیز چون دیگر شاعران متعهد، شعر را برای تفسن و سرگرمی نمی‌خواهد و به دنبال کشف دنیای پاک و بی‌آلایشی است که سرشار از نوع دوستی و محبت است. ایشان در شعر خود آشکارا مانیفست خود را این‌گونه بیان می‌کند که:

خواهان عدالتیم و بفشاریم پای

بر عدل که عدل حرمت انسان است

مجموعه‌ی پیش رو مجموعه‌ای از غزل و دوبیتی و مثنوی و... است که از جان عاشق شاعر بر می‌آید و بر دل و جان مخاطب می‌نشیند. شاعر که چون عاشقی دل خسته از معشوق ازلی و ابدی خود دور افتاده است در شعرهای جانسوز خود، مجنون‌وار به دنبال کوی حضرت دوست است و از هر جنبنده‌ای نشان او را می‌جوید:

ز هر جنبنده‌ای گیرم نشانه ز منزلگاهت‌ای در یگانه

کجایی تا فدای روی ماهت نمایم جان شیرین بی‌بهانه

شاعر این مجموعه چون خود از چشمه‌ی زلال معرفت الهی نوشیده و از این تجربه‌ی مانا بهره برده، دوست دارد که به مخاطبان جوانش در قالب نصیحت هم که شده، در اشعاری چند به این مهم بپردازد:

بشنو از ما این نصیحت دل بنه بر مهر حق

عاشقان در گه حق را دلی نورانی است

نکته‌ی آخر عنوان زیبا و با مسمای این مجموعه است که با توجه به شرایط زندگی واقعی شاعر و محتوای زیبای اشعار مصداق کامل "شمعی در باد" است:

درمان درد هجران، وصل رخ نگار است

بینمای رخ که بی تو چون شمع رو به بادم

با آرزوی توفیق برای این شاعر وارسته و بی ادعا، در بخش پایانی این گفتار با شاعر این اشعار بیشتر آشنا می‌شویم.

۲- شاعر کیست؟

احمد نجف زاده فرزند فریدون در تیر ماه سال ۱۳۴۷ در روستای دریس از توابع شهرستان کازرون در خانواده‌ای متعهد و با ایمان به دنیا آمد. او فرزند ارشد خانواده بود و از همان کودکی نزد پدر و مادر جایگاه خاصی داشت پس از سپری شدن دوران کودکی برای آموختن

علم و دانش وارد دبستان روستا شد و پس از گذراندن مقطع دبستان وارد مدرسه راهنمایی شد.

او که از همان کودکی با سختی‌های زندگی دست و پنجه نرم می‌کرد علیرغم علاقمندی به کسب علم و عطش دانستن به دلیل شرایط سخت اقتصادی و نداشتن دبیرستان در روستا نتوانست تا پایان دوره‌ی راهنمایی به تحصیل ادامه دهد ازاین جهت با پدر همراه و در کارهای کشاورزی و باغداری او را یاری می‌کرد.

از نخستین سال‌های تشکیل بسیج روستایی عضو افتخاری بسیج شد. اوقات فراغت خود را بیشتر در مسجد و در کلاس‌های قرآن و عقیدتی که در آن جا برگزار می‌شد، می‌گذراند. در کنار فراگیری قرآن برای اعتلای روح جستجوگرش به پرورش جسم هم اهتمام می‌ورزید و به خاطر علاقه زیادی که به فوتبال نشان می‌داد عضو تیم فوتبال روستا شد و تا قبل از مجروحیت در تیم حضور داشت.

در بحبویه جنگ تحمیلی عراق علیه میهنمان و در گرمای اواسط مرداد ماه سال ۶۶ سرنوشت خود را با بوسه بر قرآنی که پدر بر فراز سرش گرفته بود به خدایش سپرد و راهی خدمت سربازی شد تا ادای دین کند به میهنش.

و پس از گذراندن دوران آموزشی، با اشتیاق برای دفاع از شرافت و غیرت مذهب و خاک وطن به صحنه نبرد با دشمن شتافت و خود را به خیل جوانان عاشق و عارف رساند. هنوز چند ماهی از حضورش

در جبهه نگذشته بود که در اواخر بهمن ۱۳۶۶ در جبهه فاو مجروح و چشمان خود را تقدیم آرمان خویش نمود، اما ندیدن را بهانه نتوانستن نکرد. پس از مجروحیت به فعالیت خود در زمینه‌های دیگر از جمله ورزش که بسیار دوست می‌داشت ادامه داد و در رشته‌های گلبال و دو میدانی توانست به موفقیت‌های زیادی دست یابد.

در دیگر فعالیت‌های فرهنگی مانند گروه سرود جانبازان که به مناسبت‌های مختلف و مسابقات استانی و کشوری سرود برگزار می‌کرد عضویت داشت و با حضور مؤثر احمد، این گروه توانست در کشور به عنوان گروه سرود ویژه انتخاب شود.

برای او که روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر داشت و تشنه‌ی دانستن، از سال ۱۳۷۵ پی‌گیر علاقه‌ای شد که از کودکی به قرآن داشت. حفظ قرآن و شرکت در مسابقات قرآنی را مجدانه دنبال کرد و در مسابقات شهرستان و استان شرکت و به چندین مقام دست یافت.

شرکت در کارهای فرهنگی مسجد از قبیل برگزاری دعای توسل و دعای کمیل و مراسمی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود از دیگر برنامه‌های احمد نجف زاده است که از او شخصیتی فرهیخته ساخته و روح وارسته‌اش را در خلوت دل، به ترنم مکتونات درونش به زبان شعر واداشت و واگویه‌های از دل برخاسته‌اش را در این مجلد جمع و تقدیم نموده است.